



کتابخانه آیت الله العظمی
امام خمینی

کتابخانه آیت الله العظمی
امام خمینی

بنی نفوسنا عظمی است
بنی صوتنا عظمی است

کتابخانه آیت الله العظمی
امام خمینی

کتابخانه آیت الله العظمی
امام خمینی

در سطر
متخلص به سطر
دیوان میر عبد الوهاب هست خویی

قصيدة الثالثة در منقبت خاتم
النبیین و سید المرسلین
ابوالقاسم محمد صلی الله
علیه و آله اجمعین

ای خیمه‌ی قدر تو به گردون زده گنبد
افکنده بر ایوان فلک خان تو مسند
از برتری پایه ز نه کنگره‌ی چرخ
افراخته چون قبه بر این قصر مشید^۱
چون شمع فروزان شده قندیل کواکب
بر محفلت آویخته زین طاق زبرجد
خورشید از آن جلوه‌گر آید که شود فرش
هر صبح به ایوان تو چون طل^۲ ممد^۳
هم‌رنگ بلال حبشی گشته از آن لیل
هر شام به نعلین تو ساید رخ اسود
بر گوش فلک اول هر ماه مه نو
از حلقه‌ی سیمین کشدش حلقه مجدد
از روی تو شد روشنی صبح هویدا

و از موی تو شد تیرگی شام مؤید
هم صبح ازل پرتوی از نور جبینت
هم شام ابد آیتی زان موی مجعد
ای آن‌که به ذات تو طفیلی شده هستی
وی آن‌که به هستی تو توأم شده سرمد^۴
بر خلقت کونین تویی علت غایی
در دفتر ابداع تویی حاصل مقصد
در دایره‌ی کون تویی مرکز ایجاد
در مرکز ایجاد تویی نقطه‌ی مفرد
طغرای قضا گشت به توقیع تو امضا
فرمان قدر گشته به مهر تو مسند^۵
از نفی تو^۶ «لا» همچو «لن» ناهیه شد نهی
اثبات هم «الا» ز تو هم‌چون «لم یولد»
در پرده‌ی «لا» صورت «الا» ز تو ظاهر
در مصدر «إلا» ز تو «لا» نفی مؤبد^۷
وحدت به ظهور آمده از مقصد اعراف
در باب تو شد کلمه «احببت»^۸ مؤکد
در لام «اله»^۹ آمد الف مصدر اول
بر فتح الف واسط شد «لام» مشدد
در عالم انوار تویی روح مکرّم

در نشأت ارواح تویی نور مجرد
در لوح ضمائر نبود ذات تو محدود
در نقش مظاهر نه صفات تو محدّد^{۱۰}
در عکس مرایا اثر ذات تو پیدا
با این‌که صفات تو در آمار نگنجد
مرآت صفات آینه‌ی ذات‌نمایی
جز این، مثل از ذات صفات نتوان زد
مصدق «قلم»^{۱۱} معنی «نون»^{۱۲} مظهر «توحید»^{۱۳}
مقصود احد، مقصد کل، کلمه‌ی «احمد»
انوار فیوضات ز سرچشمه‌ی حکمت
جاری شود از چشمه‌ی هر «میم» محمد
بی‌واسطه‌ی فیض تو مسدود در فیض
بی‌رابطه‌ی فضل تو منهاج^{۱۴} عطا سد
بی‌اذن تو نازل نشود قطره‌ی باران
بی‌حکم تو در تن نشود روح مقید
بی‌مهر ولای تو عبادت ندهد سود
بی‌معرفت حق تو طاعت نشود زد
ارکان شریعت ز قوام تو منظم
معموره‌ی ایمان ز مدار تو ممهّد^{۱۵}
در قبضه تو عقد مهمات^{۱۶} بود حل

در قبض امورات اگر بسط کنی ید
روح القدس از این عملت یافته تعلیم
او گشت به تأیید وصی تو مؤید
در مکتب تعلیم علوم تو، نبیین
هستند همه مبتدی از دوره ابجد
مسجود ملائک شد از آن، آدم خاکی
خاکش شرف افزود، شد از نور تو مَسْجَدٌ^{۱۷}
آدم ز کجا این همه ی قدر مقامات
از قدر پسر، قابل این مرتبه شد جد
مقبول تو بر درگه قرب از همه اقرب
مردود تو از رحمت حق از همه ابعد
اخلاق جمیل تو فزون تر بود از حصر
اوصاف کمال تو فراتر بود از حد
شرمنده از این گفته («حقیر») است چه نسبت
هر بی سروپا وصف مدیح تو سراید
چون هست ثنا لازمه ی شرط غلامی
شاید که قبول افتد اگر نیک اگر بد
قلاده ی اخلاص تو بر گردن جانش
با سلسله ی بندگیت گشت مُقَلَّدٌ^{۱۸}
تا صبح و مسا هست ثناخوان تو جبریل

مادام قلم مدح تو بر لوح نگارد
 اعدای تو را تلخ شود کام چو حنظل^{۱۹}
 احباب تو را ذکر تو، شیرین چو طبرزد^{۲۰}
 در جنت فردوس نکوخواه تو جاوید
 بدخواه تو در قعر سقر^{۲۱} باد مخلد^{۲۲}



۱. مُشِيد: استوار و محکم. استنباطی از آیهی «أَيَّتِمَّا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا» هر کجا باشید، شما را مرگ درمی یابد؛ هر چند در بُرج‌های استوار باشید. و اگر [پیشامد] خوبی به آنان برسد، می گویند: «این از جانب خداست»؛ و چون صدمه‌ای به ایشان برسد، می گویند: «این از طرف توست.» بگو: «همه از جانب خداست.» [آخر] این قوم را چه شده است که نمی‌خواهند سخنی را [درست] دریابند؟

۲. طل: نم، شبنم.

۳. ممدد: کشیده شده.

۴. سرمد: همیشگی، ابدی.

۵. مسند: حکم گرفتن، دارای سند.

۶. اشاره به اولین شعار اسلام «لا اله الا الله» دارد.

۷. مؤبد: همیشگی.

۸. اشاره به آیهی «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» [سلیمان] گفت: واقعا من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجاب ظلمت شد (ص / ۳۲).

۹. توجه کنید به صورت نوشتاری (الله).

۱۰. محدّد: دارای حدود و اندازه.

۱۱ و ۱۲. اشاره سوره‌ی مبارکه قلم.

۱۳. نام دیگر سوره‌ی اخلاص
۱۴. منهج: راه‌ها.
۱۵. ممهّد: گسترانیده.
۱۶. مهمات: کارهای دشوار و مهم.
۱۷. به خاطر وجود نور تو که در صلب آدم قرار گرفته بودی ملائک به آدم سجده کردند.
۱۸. مُقلد: قلاده‌دار، بسته شده.
۱۹. حنظل: گیاهی دارای میوه‌ای بسیار تلخ.
۲۰. طبرزد: شیرین، شکر.
۲۱. سقر: جهنم، یکی از نام‌های آتش دوزخ در قرآن است.